

## سرزمین فیروزه ای چهار هزار سال رقص در ایران



رهبری نیما کیان باله سرزمین فیروزه ای، رقص صوفی مولانا مولانا، زن ( روند تاریخی ظلم و ستم اجتماعی بر زن در ایران) و سیمای جان را به نمایش گذاشتند. در آغاز برنامه تاریخچه جامعی از چهار

سازمان باله ایران و با مروری بر « تاریخچه چهار هزار سال رقص در ایران.» در این برنامه که به همت بنیاد توس و بنیانگذار آن، خانم جمیله خرازی به صحنه رفت رقصنده های سازمان باله ایران به

آمفی تئاتر دانشکده علوم تربیتی دانشگاه لندن یکشنبه نهم مارس شاهد یکی از دیدنی ترین برنامه های هنری ایرانی در سالهای اخیر بود با عنوان جشن گرامیداشت نیما کیان بنیانگذار و سرپرست هنری

هزار سال هنر رقص در ایران از نیما کیان، در دوران میترائیان، هخامنشیان، قاجار و پهلوی و سرانجام تا روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی و انحلال سازمان ملی باله ایران توسط الیزابت منسفیلد بازیگر تئاتر انگلیس و فخری نیکزاد به دو زبان انگلیسی و فارسی خوانده شد و سپس رقصنده ها در حالی که لباس هایی با طرح های زیبای ایرانی به تن داشتند با آهنگهایی برگرفته شده از آلبوم بیداد و دستان شجریان ساخته پرویز مشکاتیان ترکیبی از باله غربی با رقص های محلی ایرانی را اجرا کردند که برای همه تازگی داشت. نیما کیان مدیر سازمان باله ایران و طراح رقص ها به کیهان گفت: « بالرین های جوان ما با آن که نه ایرانی بودند و نه شرقی تبار از عهده تلفیق باله غربی و موسیقی سنتی به خوبی برآمدند.»

این رقصنده ها که از کودکی با آثار کلاسیک باله مانند، دریاچه قو، فندق شکن، زیبای خفته و ... آشنا شده اند حالا باید حرکات خود را با نوای موسیقی سنتی ایرانی و آوازه های محلی که با صدای زنده

یاد شمسی عصار (شوشا گابی) و زهره جويا هماهنگ می- کردند و پیدا بود برای انجام این کار زحمت فراوان کشیده بودند.

نیما کیان می گوید: وقتی رقصنده باله که یک هنر کاملا غربی است قرار می شود با موسیقی سنتی و محلی ایران برقصد من که طراح رقص هستم باید قطعه هایی را انتخاب کنم که فراز و فرودهای لازم رقص و کاربرد مورد نظر را داشته باشد والا حاصل کار مطابق معیارهای فنی از آب در نمی آید نیما در مورد مدت و چگونگی تمرین رقصنده ها برای به صحنه بردن چنین باله ای توضیح می دهد « اگرچه رقصیدن حرفه یک رقصنده است اما برای اجرای هر کار تازه به ساعتهای متوالی تمرین، به طور معمول روزانه در طول ۱۰ تا ۱۲ هفته نیاز هست و این تلاشی است مداوم و بسیار خسته کننده. طراح معمولاً پیش از شروع تمرین ها باید طول و حجم برنامه را دقیق و حساب شده بداند و ایده هایی را در سر داشته باشد البته اگر پس از اجرای برنامه قرار شود برنامه به کشور دیگری برده شود

در آن صورت سه هفته تمرین برای آمادگی کافی است.» تلفیق موسیقی سنتی ایران با باله سابقه و نمونه های زیادی نداشته است و به همین دلیل شهامت نیما کیان را برای دست زدن به این کار باید ستود زیرا نتیجه نوآوری معمولاً قابل پیش بینی نیست.

نیما می گوید رقصندگان که در این برنامه هنرنمایی کردند تا پیش از آشنائی با من و صحبت درباره محتوای کار هیچگونه آشنایی با آنچه که قرار بود انجام بدهند نداشتند. آنها حتی تا حالا اسم رقص صوفی و سماع به گوششان نخورده بود. رقصنده هایی که در آن شب با موسیقی ایرانی، باله سرزمین فیروزه ای، مولانا مولانا، زن و سیمای جان را رقصیدند از کشورهای مکزیک، انگلستان، استرالیا، مجارستان و ژاپن بودند. سازمان باله تا کنون بیش از ۲۸ ملیت مختلف رقصنده داشته است حتی از جاهایی مانند مصر، آذربایجان و ارمنستان اما متأسفانه تا کنون هیچ رقصنده ایرانی در تولیدات سازمان باله ایران حضور نداشته است.

نیما دلیل غیبت رقصنده های ایرانی را در برنامه های سازمان باله اینطور توضیح می دهد: عده ای ایرانی در خارج از ایران سرگرم تحصیل و تمرین باله هستند بعضی نیز دوست دارند با ما همکاری کنند اما باید توجه داشت که هنر باله در فرهنگ خانواده- های ایرانی جایی ندارد. خانواده های ایرانی در این سالها فرزندان خود را به این رقص ترغیب نکرده اند و خلاصه این که در فرهنگ ما باله چندان شناخته شده نیست. نیما می گوید: اگرچه سازمان ملی باله ایران ۲۹ سال پیش از بین رفت اما گنجینه موسیقی غنی ایرانی از بین رفتنی نیست و همیشه ماندگار خواهد بود

مثلا آهنگی که برای رقص « زن » انتخاب شده بود از قطعه ای به اسم عصیان ساخته آقای عزیزاده، آهنگساز معروف و آلبوم آوای مهر اوست. آهنگی هم که به باله سرزمین فیروزه ای جان می- داد اثر پرویز مشکاتیان آهنگساز بنام ایران بود. بخش دوم برنامه و رقص صوفی با استقبال زیاد روبرو شد. لباسهای سفید رقصنده ها که اشعار و عبارات فارسی روی آن نقش بسته بود به حرکات نرم و موزون رقصنده ها جلوه خاصی می داد. به گفته نیما معمولا رقصنده های جوانتر برای طرح هایی از این گونه انتخاب می شوند چون بدن رقصنده باید نرمش و انعطاف

بیشتری برای حرکاتی که خارج از روال باله غربی است داشته باشد و جالب است که بعضی از رقصنده ها که این باله های ایرانی را رقصیده اند به فرهنگ و هنر سنتی ایران علاقمند شده و شروع به مطالعه کتابهایی در این زمینه کرده اند. نیما در مورد انتخاب رقصنده ها برای ایفای نقش در رپرتوار ایرانی یادآور می شود برای استخدام رقصنده ها در روزنامه آگهی می کنیم و پس از بررسی درخواست داوطلبان از آنان امتحان می شود و سپس تمرین ها را در استکهلم سوئد مرکز سازمان باله ایران شروع می کنیم. و اما نکته دیگری که باید در مورد رقص باله توجه داشت این است که



در این رقص همه چیز از پیش باید طراحی و پیش بینی شود جزئیات حرکات به هر شکل و تعداد به طور دقیق از قبل تنظیم می شود زیرا که در باله هیچ حرکتی فی البداهه انجام نمی شود. تمامی موومانها باید طراحی، تمرین و روی آن به دفعات کار شود. دیگر اینکه در اجرای یک برنامه باله بیشتر از کسانی که روی صحنه می بینید پشت صحنه فعالیت دارند. مثلا در ازای هشت رقصنده روی صحنه بیست نفر متخصص رشته های مختلف پشت صحنه در تلاشند تا یک طرح به مرحله تولید برسد. همانطور که در ابتدا اشاره شد برنامه تاریخ چهار هزار سال رقص ایران با کوشش بنیاد توس پا گرفت. جمیله خرازی که خود زمانی از فعالان سازمان باله در وزارت فرهنگ سابق بوده است در مورد برگذاری این برنامه به کیهان گفت: «آقای دووارن سهم زیادی در معرفی رقص ایرانی به جهانیان دارد و او را می توان از پیشگامان تلفیق رقص باله با موسیقی ایرانی دانست. جمیله خرازی غیبت رقصنده های ایرانی در این برنامه را عدم استقبال جوانهای ایرانی

از باله دانست و گفت شاید علت این موضوع شرایط سخت فیزیکی برای هنرجویان باشد.» به گفته خانم خرازی طراحی لباسهای رقص برنامه نیز کار نیما کیان و پارچه لباسهایی که رقصنده ها در آن شب به تن داشتند تماما از ایران تهیه شده بود مانند لباسهای ترمه در « سرزمین فیروزه ای » و لباسهای محلی شمالی در « سیمای جان. » در ضمن، لباس رقصنده ها در اثر صوفیانه « مولانا مولانا » همشکل بود و جالب این که نوشته های روی لباسهای این رقص دستنوشته و خوشنویسی نیما کیان است. به عقیده خانم خرازی رقص باله باید حامل پیامی باشد و اگر به نام رقص ها توجه کرده باشید هر یک دارای پیامی بود، مانند مروارید، فیروزه، زمرد و...

### پیدایش رقص ایرانی

رقص ایرانی به عنوان یک هنر اصیل و مستقل با پیدایش و گسترش میترائیسم همزمان بوده است.

در آن روزگاران هنگامی که در مراسم مذهبی گاوی را

قربانی می کردند مردان می- رقصیدند. این رقص آئینی به عنوان قدیمترین رقص ایرانی و منشاء ظهور رقص در تمدن عهد عتیق شناخته می شود.

### هخامنشیان

« کتریاس » مورخ یونانی از گونه ای رقص ایرانی یاد کرده است که در جشن مهرگان اجرا می شده و شخص پادشاه در آن شرکت داشته است. پادشاه شراب می نوشید و در مراسمی که به افتخار میترا برپا می شد به رقص می پرداخت. رقص بخش مهمی از آئین مذهبی را در میان هخامنشیان تشکیل می داده است و پیروان مذهب زرتشت نیز برای رقص اهمیت زیادی قائل بودند.

پروفسور بریانت از قول گزنوفون تاریخ نگار زندگی کورش کبیر نخستین پادشاه هخامنشی می نویسد: « زمانی که کورش به آئین سنتی قربانی کردن می پرداخت فرمان می داد که مردم به رقص و پایکوبی پردازند و این کار ادامه سنتهای به جای مانده از اجداد آنها یعنی « کاتادا پاتریا » بود.

انواع دیگری از رقصهای آئینی و درباری هم بود که رقصنده‌ها سلاح‌های خود را به هم می‌کوبیدند و در حالی که سوار بر اسب بودند می‌رقصیدند.

رقص در دوران حکومت سلسله‌های دیگر پادشاهی در ایران هنری بود پرترفدار و مورد حمایت. به عنوان مثال در زمان سلطنت ساسانیان و پارتیان رقص با شمشیر و رقص در حال اسب سواری مرسوم بوده است.

## ممنوعیت رقص در اسلام

رقص به عنوان هنری مورد احترام، همیشه در ایران وجود داشته است. تا آنکه اعراب به ایران حمله کردند و دین جدید رقص را ممنوع اعلام کرد. در آن ایام رقص‌های محلی ایرانی در خارج از شهرهای بزرگ بیشتر مورد توجه مردم بود. J. E. Brown که در اواخر قرن نوزدهم در زمینه رقص‌های ایرانی مطالعاتی انجام داده بود به رقص‌های محلی خراسان و کردستان اشاره کرده و نوشته است در بعضی نقاط دورافتاده ایران،

روستائیان شبها پس از فراغت از کار روزانه می‌رقصیدند. در تهران نیز دختران گرجی را برای رقصیدن استخدام می‌کردند. در ضمن به لطف تلاش و علاقمندی اقلیت‌های مذهبی مانند آرامنه و یهودیان بعضی از انواع رقص‌های ایرانی در طول تاریخ از گزند فراموشی مصون مانده است و ما ایرانی‌ها از این بابت مدیون و ممنون اقلیتهای مذهبی کشورمان هستیم زیرا که اگر سعی و همت آنها نبود از میراث هنری و فرهنگی ایران از جمله رقص ایرانی اثری باقی نمی‌ماند.

حمله اعراب و مغولها میراث هنری ایران قبل از اسلام از جمله رقصهای سنتی را از میان برد.

## صوفیگری و رقص سماع

رقص در قاموس صوفیان اهمیت بسیار دارد و در ادبیات فارسی نیز همینطور. حافظ، سعدی و مولوی سه شاعری بودند که در اشعار خود به عنوان نماد یگانگی با آفریننده در زندگی اشاره دارند. صوفیگری رقص را به عنوان

ابزار روح توصیه می‌کند. رقص سماع، رقص معروف صوفیان است که مولانا جلال الدین رومی در قرن نهم هجری شمسی آن را باب کرد.

## رقص در زمان قاجار

تنها رقص اصیل ایرانی که در قرن‌ها دست نخورده باقی مانده است رقصهای محلی است که مورد توجه اشراف زادگان قاجاریه بود و به عقیده برخی از مورخین در دوره قاجار یعنی از پایان قرن ۱۸ میلادی مردم برای رقصیدن آزادتر بودند.

تصاویر جالبی نیز از آن زمان به جا مانده که نشان می‌دهد رقصیدن در میان درباریان و طبقات برگزیده وجود داشته است. در مراسم تاجگذاری، جشن ازدواج و عید نوروز، رقص از ملزومات برگزاری این مراسم بوده است.

## پهلوی و نوسازی

### فرهنگ و هنر ایران

با روی کار آمدن سلسله پهلوی، ایران در مسیر پیشرفت و تجدد و به سبک امروزی قرار گرفت. آغاز رقص باله در

ایران به سال ۱۹۲۸ باز می-  
گردد. زمانی که مادام گرنلی  
آموزش رقص باله را در تهران  
شروع کرد و تا سال ۱۹۸۰  
ادامه یافت. سرکیس جانبازیان  
و یلنا آویدیسیان ( که به مادام  
یلنا شهرت داشت و در سال  
۱۹۴۵ همراه همسرش از  
ارمنستان شوروی سابق به تبریز  
مهاجرت کرد) از دیگر استادان  
این رشته بود.  
در سالهای ۱۹۳۰ ، ۱۹۴۰ و  
۱۹۵۰ نوع جدیدی از رقص  
های مدرن یا تفریحی در ایران  
رایج شد که ریشه در رقص-

های قاجار داشت و به عنوان  
رقصهای پرترفدار سنتی ایران  
معروف شد. این رقصها بیشتر  
در میهمانی ها و جشنها رواج  
داشت. رقصهای مطربی،  
روحوضی، باباکرم، شاطری و  
تهرونی برگرفته شده از همین  
نوع رقصهای سنتی ایرانی  
است.

گروه موسیقی فولکلور ایرانی  
در سال ۱۹۵۸ در وزارت  
فرهنگ و هنر آن زمان زیر نظر  
نژاد احمدزاده پا گرفت. بعدها  
گروهی از دست اندرکاران با

تجربه رقص که در استخدام  
سازمان فولکلور بودند، از  
سوی مسؤولان این سازمان به  
روستاها اعزام شدند تا در  
زمینه انواع رقصهای اصیل و  
محلی ایرانی مطالعه کنند. در  
آن سالها برنامه های رقص  
محلی ایرانی به کوشش این  
گروه در حضور رهبران  
کشورها و میهمانان رسمی  
دولت ایران از شرق و غرب  
عالم از جمله ملکه انگلستان  
اجرا می شد.